



یکشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۴
وطن امروز | شماره ۴۲۱۹

به عبارت دیگر ان

آخرین درس یک کولی

و آخرین حرفی که از کولیان فرا گرفتـــام این است: - در هیچ کجا توقف مکن!

احمد عزیزی / نوان الماس کتاب نیستان - صفحه ۷۵

آیت الله بهجت و جاسوسان غرب! ملتفت باشید! حیات فرنگی‌ها با جاسوس است، تا به حال بر سر ما هر چیزی آوردند، از جاسوس‌ها آوردند. ملتفت باشید! اطراف خودتان را نگاه کنید، گاهی می‌شود به چند واسطه، به جاسوس می‌رسند. اینها یک فطرتی است که خدا باید این زرنگی را بدهد که آدم، گول دروغگوها را نخورد!

محمد تقی بهجت قمی/ رحمت واسعه انتشارات مرکز حفظ و نشر آثار آیت‌الله بهجت صفحه ۷۶

وصیتنامه ضداروپایی فرانتس قانون

برویم... رفقا! بهتر آن است که از هم‌کنون ساحلی دیگر بچویم. دیواره شب سیاه و دیرپایی را که در آن غرقایم، بشکافیم و بیرون رویم. باید روز تازهای که سر برمی‌آورد، ما را استوار و نستوه، آگاه و اندیشمند، مصمم و گستاخ‌باریابد. بر ماست که با رؤیاهای خوش وداع کنیم و باورهای کهنه و دوستی‌های پیش از زندگی‌مان عصر استعمار را از راه سازیم، وقت‌مان را با وردخوانی‌های بی‌ثمر و با تشبیه‌جویی‌ها و همرنگ محیط شدن‌های تهوع‌آور تلف نکنیم. این اروپا را ترک گوئیم؛ اروپایی که یکسره از انسان حرف می‌زند اما هر جا او می‌یابد، در هر گوشه کوچ‌هایش و در هر گوشه دنیا کشتاراش می‌کند. فرانس‌که که اروپا پیشرفت توده‌های انسانی دیگر را متوقف کرده و آنان را بنده مقاصد و نیز شکوه و جلال خویش ساخته است. قرن‌هاست که این اروپا به نام افسانه‌اندیشمندی و شایستگی که ادعایی است، تقریباً تمام انسانیت را خفه کرده است. امروز نگاهش کنید: درمانده و حیران می‌بان! انفجار گیر کرده است؛ یکی انفجار اتمی و دیگری از هم‌پاشیدگی می‌عنوی... پس برادران! چرا و چگونه نباید دریافت که ما راهی بهتر از دنباله‌روی این اروپا داریم؟ امروز ما می‌دانیم که انسانیت برای هر یک از پیروزی‌های فکر اروپا، این اروپایی که دائم از انسان سخن می‌گفته و همواره اعلام می‌کرده که تنها در غم انسان است، چه رنج‌ها که نبیره است. برویم! رفقا! قصه اروپا برای همیشه به سر رسیده است؛ راه دیگر باید جست. ما امروز به هر کاری تواناییم، به شرط آنکه از اروپا تقلید نکنیم و نیز بدان شرط که از زروی رسیدن به اروپا و اروپایی شدن وسوسه‌مان نکنند. اروپا دوری چنان جنون‌آمیز و عنان‌گسیخته برداشته است که امروز هر مهرگر و هر خردی از مهر کردنش ناتوان مانده است. فرانتس قانون / مغضوبین زمین فدای بقری - انتشارات مولا- صفحات ۲۹۸ و ۲۹۹

گاهی اکثریت پوچ و مزخرف است حقیقت آنکه عقیده‌ای که همه‌جاگیر و شایع شده است، دلیلی ندارد که پوچ و مزخرف نباشد. درواقع با توجه به سادگی و زودپابوری اکثریت اینای بشر، احتمال آنکه یک عقیده پوچ، شایع و همه‌جاگیر شود بیشتر است تا یک عقیده منطقی که نیاز به استدلال دارد. برتراند راسل / زناشویی و اخلاق مهدی افشار - (چاپ دوم، نشر کایان، ۱۳۶۲) صفحه ۶۸

خیام و حکیم‌نمایان روز رگاری زیست می‌کنیم که از دانشوران واقعی، تنها عده‌ای قلیل، در هزار رنج و محنت باقی مانده‌اند؛ روزگاری است که حکیم‌نمایان، بر تن باطل جامه‌حق می‌پوشانند و از حد تزویر و ریاقدمی فراتر نمی‌نهند و علم‌شان را جز در راه خواست‌های تن خود به کار نمی‌گیرند. اینان اگر ببینند که کسی مانند ایشان سر خوندمایی ندارد، بلکه به‌راستی در پی یافتن حق و ترک باطل است، او را خوار می‌شمزند و تمسخر می‌کنند، و در هر حال خداوند یار و پناه همگان باد!

عمر خیام / رساله جبر و مقایله رحیم رضازاده ملک - نشر علم و هنر - صفحه ۲۴۳

گذر گاه موکب شاه! شاه: خب هملت! پولونیوس کجاست؟ هملت: سر شام. شاه: سر شام؟ کجا؟ هملت: نه در جایی که سر گرم تناول طعام باشد، بلکه آنجا که می‌خورندش. انجمنی از کرم‌های وزیر‌خوار سر او نشستند؛ کرم همناسا سلطان خوش‌خوراکان است. چه‌ما در پرورش همه‌گونه جانور می‌کوشیم تا خود پرور شویم و باز خودمان را می‌پوریم تا کرم‌ها را جاق کنیم. دولت‌مندان فربه و بینوایان لاغر، با هم تفاوت چندانی ندارند؛ فقط ۲ خورش متفاوت هستند، دو خورش که بر سر یک سفره صرف می‌شوند، و سرانجام همه، همین است. شاه: افسوس! افسوس! هملت: هر کس امکان دارد که با کرمی که شاهی را خورده است ماهی صید کند. و باز از آن ماهی که مرگ را خورده است، خود نیز تناول کند. شاه: منظورت از این سخن چیست؟ هملت: هیچ، فقط می‌خواهم به شما نشان دهم که چگونه ممکن است روده‌های یک فقیر تهیدست، گذر گاه موکب پادشاهی باشد.

ولیم شکسپیر / هملت دیاروش شاهین - صفحات ۱۹۵ و ۱۹۶

پیامبر اعظم (ص):

امتم همواره در خیر و خوبی‌اند. تا وقتی که یکدیگر را دوست بدارند، نماز برپا دارند، زکات بدهند و میهمان را گرمای بخارند؛ پس اگر چنین کنند به فحطی و خشکسالی گرفتار می‌شوند.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر (عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۲۲ | تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۲ | نمابر: ۶۶۴۱۳۱۳۷
پيام‌سان: info@vatanemrooz.ir | پست الکترونیکی: vatanemrooz@info

چاپ: موسسه جام‌چم برتر برنا | توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰
سردبیر: سید عابدین نورالدینی

پرونده «وطن امروز» درباره فیلم «اسفند» که به روایت بخشی از زندگی شهید علی هاشمی پرداخته است

طلوع از مشرق هور

به خود فیلم است. در پیوست این گفت‌وگو با اسماعیل علیزاده، تدوینگر جوان «اسفند» هم گفت‌وگویی کرده‌ایم که در آن به چالش‌های خاصی که تدوینگر چنین فیلمی پیش رویش دارد اشاره می‌شود. این گفت‌وگو حاوی نقاط فنی مفید و آموزنده و در عین حال ساده و قابل فهمی است. در ادامه نیز نظر ۲ نفر از اهالی سینما را که فیلمساز یا منتقد بوده‌اند و دید مثبتی نسبت به فیلم «اسفند» داشتند آورده شده که در آن توضیح می‌دهند چه چیزهایی از این فیلم برای‌شان جالب بوده است.

اسفند را حتما باید روی پرده ببینید

چهارمین جنبه چالش‌برانگیز فیلم، جغرافیای داستان بود. هور با فضای باز و بیکران خود، به نوعی تضاد با تنش‌ها و اتفاقات پرخطر داستان ایجاد می‌کرد. برای من، تدوینگر جوان این فیلم، حفظ ثبات آن جنبه یعنی فضای آرام و گسترده هور و تنش‌های داستان، چالشی اساسی بود که در روند تدوین بسیار با آن گلاویز شدم تا نتیجه مطلوب به دست آید.

به طور کل باید توجه کنیم که فیلم‌های تاریخی نیاز به دقت و حساسیت بالایی دارند. وقتی فیلمی با موضوع تاریخی ساخته می‌شود، باید به جزئیات بسیار توجه کنید. هر وسیله‌ای که در صحنه به نمایش درمی‌آید، حتی کوچک‌ترین جزئیات مانند سلاح‌ها، لباس‌ها و گریپ‌ها باید با دقت طراحی شوند. مخصوصاً درباره شخصیت‌هایی که هنوز در قید حیات هستند و مخاطب بخوبی با آنها آشناست، باید کاملاً از نظر تاریخی به این جزئیات توجه شود. مهم‌ترین دغدغه من در تدوین این فیلم، حفظ ثبات آن بود. مهم‌ترین حفظ انسجام درام سینمایی بود. در کنار این، باید توجه ویژه‌ای به مردم‌شناسی فیلم داشت. زیر بازنمایی درست مردم یک دوره تاریخی، تنها با نمایش گریم و لباس امکان‌پذیر نیست. باید اخلاق، عادات، سبک زندگی و ارزش‌های مردم آن دوره در فیلم به نمایش گذاشته شود. در واقع، از دید من این مهم‌ترین وجه از بازنمایی تاریخ است.

در فیلم «اسفند»، تیم تولید تلاش کرده است دهه ۶۰ را همان‌طور که بود به تصویر بکشد. امروز شاید بسیاری از خصوصیات رفتاری مردم تغییر کرده باشد اما در فیلم باید دقیقاً ویژگی‌های آن دوران را نشان داد. این موضوع از سوی دانش اقباشاوی، کارگردان فیلم، بخوبی رعایت شده بود و من هم سعی کردم در مرحله تدوین، این حساسیت‌ها را رعایت کنم تا نسخه فیلم نهایی با واقعیت تاریخی مطابقت کامل داشته باشد. «اسفند» از نظر داستانی و محتوایی بسیاری از ابعاد جدید و نادر درباره جنگ ایران و عراق را به نمایش می‌گذارد که کمتر به آن پرداخته است. معمولاً در فیلم‌های جنگی، بیشتر به عملیات‌ها و نبردهای سنگین پرداخته می‌شود اما «اسفند» نشان‌دهنده بخش‌های دیگری از روزهای جنگ است که برای مخاطبان تازگی دارد: زمانه‌ریزی‌ها، شناسایی‌ها و ایده‌پردازی‌ها. شخصاً برای من همیشه جالب بود بدانم افرادی که در خط مقدم جبهه نبوده‌اند، در طول عملیات‌ها چه می‌کنند. یکی از دلایل جذابیت فیلم هم جنبه مردم‌شناسی آن است. این فیلم تجربه زندگی در میان بومی‌های خوزستان و همچنین هورنشین‌ها را به مخاطب منتقل می‌کند. مخاطب در این فیلم به سرزمین‌های دور می‌رود و حتی در اعماق هور به جست‌وجو می‌پردازد. این جنبه مردم‌شناسی و مستندنگاری فیلم، آن را به یک اثر معتبر و جذاب تبدیل کرده است. به‌علاوه تریلرهای جاسوسی همیشه جذابیت خاص خود را دارند و وجه معمایی و جاسوسی «اسفند» هم یکی از ویژگی‌های جذاب آن است.

در مجموع از لحاظ فنی و زیبایی‌شناختی می‌شود درباره «اسفند» اینطور جمع‌بندی کرد که تصاویر سینمایی و جذاب فیلم به‌شدت با پرده عریض سینما سازگاری دارند و می‌توانند مخاطبان را به خود جذب کند. اگر کسی بخواهد یک تجربه سینمایی متفاوت از جنگ ایران و عراق و زندگی مردم در آن دوران را به دست آورد، «اسفند» فیلمی است که نباید از آن را دست بدهند. طبعاً ارزش‌های فیلم روی پرده بزرگ سینما بهتر خود را نشان می‌دهد.

اسماعیل علیزاده، تدوینگر جوان ایرانی که در فجر امسال ۲ فیلم «اسفند» و «همدام» را داشت، پیش از این هم آثار دیگری مثل سریال «باغی» و فیلم «شنای پروانه» را تدوین کرده بود. اما شاید همکاری اخیرش با دانش اقباشاوی، به لحاظ فنی و زیبایی‌شناختی، سستگین‌ترین پروژه‌ای باشد که تاکنون انجام داده است. علیزاده در این گفت‌وگو درباره فیلم «اسفند» و چالش‌هایی که برای تدوین آن داشت، گفت: «با توجه به سبابق همکاری‌ام با مرحوم جلیل شعبانی، تهیه‌کننده فیلم و همچنین دوستی دیرینه‌ام با دانش اقباشاوی، کارگردان فیلم، برای تدوین این اثر دعوت به کار شدم. من از ابتدا با پروژه آشنا و با دیدگاه‌های اقباشاوی و اینکه چه هدفی از ساخت این فیلم دارد، کاملاً هماه‌راستاً بودم.

درباره تجربه تدوین «اسفند» که فیلم خاصی است می‌توانم بگویم چند چالش بزرگ و عمده داشتیم. یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها در تدوین این کار، دو زمانه بودن آن بود. فیلم با زبان عربی و فارسی روایت می‌شود و این خود به یک چالش بزرگ برای تدوین تبدیل شد. باید تمام جزئیات را به دقت تنظیم می‌کردیم تا تغییرات زبانی در راستای فضای داستانی و جغرافیایی قرار بگیرند. نکته بعد زمان روایت است. فیلم قرار بود داستانی طولانی، حدود یک سال از زندگی شهید علی هاشمی را پوشش دهد. زمانی که به این موضوع فکر می‌کنید، متوجه می‌شوید چطور باید یک مدت زمان طولانی را در یک فیلم سینمایی ۱۰۰ دقیقه‌ای جا بدهید. این مورد به خودی خود کار تدوین را دشوار می‌کرد، چراکه باید ضمن حفظ انسجام داستانی، از زمان‌ها و لحظات مهم عبور می‌کردیم.

چالش سوم در روند تدوین ایجاد تعادل بین ریتم‌های مختلف فیلم بود. «اسفند» در ژانرهای متفاوتی مانند معمایی - جاسوسی و اکشن حرکت می‌کند. هر یک از این ژانرها نیاز به رویکرد متفاوتی داشتند. برای بخش‌های جاسوسی فیلم، باید ریتم آرام و پر جزئیات در نظر می‌گرفتیم تا تنش‌های درونی شخصیت‌ها بخوبی نمایش داده شوند، در حالی که بخش‌های اکشن به یک ریتم پراانرژی و هیجان‌انگیز نیاز داشتند.

فجر فیلم دیگری درباره شخصیت همین قهرمان حضور داشت. البته «شک هور» به مقطع دیگری از زندگی شهید هاشمی پرداخته بود و از زاویه دید مادر چشم‌اندازش به ماجرا نگاه می‌کرد و «اسفند» روایت به‌دست آمدن یک پیروزی در شرایطی دور از انتظار و غافلگیرکننده را داشت. در ایام برگزاری جشنواره فجر با دانش اقباشاوی، کارگردان فیلم «اسفند» گفت‌وگویی انجام داده بودیم که بیشتر سمت توصیف شخصیت شهید هاشمی رفت؛ چه اینکه خیلی‌ها او را چنانکه شایسته است نمی‌شناختند

مظلوم مقتدر

نتیجه ابهامات پیرامون ایشان بیشتر شده بود. از روزی که ایشان شهید شد تا زمانی که یکپرش پیدا شد ۲۲ سال طول کشید و این مهم‌ترین دلیل مهجور ماندن این شهید در طی دهه‌هاست. البته بخش شهادت ایشان در فیلم ما نیامده و این فیلم صرفاً روایت یک مقطع پیروزمندانه است. من خودم این فیلم را خیلی دوست دارم و خدا را بسیار شاکرم و عقیده دارم که اول لطف خدا و سپس همراهی خانواده شهید و همکاری خوب تمام عوامل فیلم موجب شد در تولید «اسفند» به حداکثر آن چیزی که تصور بود برسیم.

■ **پرتکرارترین چیزی که از مخاطبان فیلم درباره‌اش شنیدید چه بوده است؟**
اغلب می‌گویند شهید علی هاشمی برای‌شان سمیات و جذاب و دوست‌داشتنی بوده است اما نقد پرتکرارشان این بود که فیلم کمی طولانی است. فیلم ۱۱۷ دقیقه بود و در نسخه اکران عمومی ۶ دقیقه کوتاه‌تر شده است. البته من از آن ۱۱۷ دقیقه دفاع می‌کردم و توضیح می‌دادم که این دقیقاً راوی برهه‌ای ۱۳ ماهه با جزئیات بسیار است که باید فرصت داستان‌گویی برای کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس محقق می‌شد تا اثر شتازده نشود اما در نهایت ۶ دقیقه در نسخه عمومی از فیلم کم کردیم و بر این اساس لازم است تاکید کنم: تماشاگرانی که فکر می‌کردید فیلم طولانی است، بیایید و ببینید که این نسخه کوتاه‌تر شده است.

■ **از منظر فنی و زیبایی‌شناختی توجه خیلی‌ها به تصاویر تالاب هور جلب شد که زیبا و منحصربه‌فرد است. البته در سینمای امروز معمولاً دکور با جلوه‌های ویژه برای ضبط این تصاویر استفاده می‌کنند که شما این کار را نکردید. چطور شد این دشواری بزرگ را متحمل شدید و خواستید در خود منطقه هور فیلم را جلوی دوربین ببرید؟**

فروتنانه از این تعریف تشکر می‌کنم و علت آن را در وهله اول همراهی تیمی قدرتمند و یک کار گروهی همدلانه از فیلمبرداری، صدابرداری و تدارکات گرفته تا کسانی که ایمنی کار را بر عهده داشتند، می‌دانم. من سابقه دستپاچی کارهای بزرگ و کار با کارگردانان صاحب‌نام و انواع ژانرهای سخت را در کارنامه داشتم که این سابقه به یاری‌ام آمد تا آنچه باید را انجام دهم در نهایت‌انکه خوزستان سرزمین آب‌ه و اجدادی‌ام بوده است و از کودکی هور را می‌شناختم که کمک کرد تا این کار این گونه به ثمر بنشیند.

دانش اقباشاوی که پیش از این با فیلم‌های مثل «تاج محل»، «زآیاتا» و یک اپیزود از «هیئات» شناخته شده بود، بعد از سال‌ها تلاش بابت ساخت فیلمی درباره شهید سیدعلی هاشمی، در نهایت توانست در جشنواره فجر سال گذشته با «اسفند» در بخش مسابقه حاضر شوده آن هم در حالی که درست در همین دوره از

■ **آقای اقباشاوی! حالا که چند ماه از جشنواره فجر گذشته و فیلم شما روی پرده رفته، برای مخاطب عام که با این فیلم‌های مختلف مواردی را برای تماشا انتخاب کنند، «اسفند» را چه نوع فیلمی معرفی می‌کنید؟ یک فیلم پرتره؟ یک اثر تاریخی؟ یک کار اکشن؟ یا چیز دیگر؟**
درباره ماهیت این فیلم می‌توانم بگویم «اسفند» فیلمی است که تلاش کرده در وهله اول برهه‌ای مهم از تاریخ کشور را به شکلی باورپذیر در مکان‌های واقعی با پیوست پژوهشی و نگاهی ژانریستی نشان دهد و این آورده بزرگی برای تماشاگر ایرانی است. به همین دلیل از مردم خواهش می‌کنم زحمتی که گروه چند صدنفره «اسفند» کشیده است تا در ۳ سال گذشته فیلمی بر اساس واقعیت بسازد و راوی دوره پرعظمتی از تاریخ معاصر باشد را ببینند. مخاطبان در این فیلم با چهره‌های جدید و جغرافیا و لوکیشن‌های متنوع و زیبا مواجه می‌شوند که در دشت و هور و بیابان تصویربرداری شده و این تنوع لوکیشنی چشم‌نواز است.

■ **شاید عادت مخاطبان سینما راوی ما در این سال‌ها کمی تغییر کرده باشد و تمام ویژگی‌هایی که شما از آنها صحبت کردید، از اولویت بعضی‌ها خارج شده باشد. فکر می‌کنید چه چیزی بتواند آنها را ترغیب کند بایند و این فیلم را ببینند؟**

تماشای «اسفند» در قیاس با فیلم‌های سینمایی محصور در آپارتمان‌ها و فضاهای بسته مصداق یک نفس کشیدن است؛ فیلمی که طبیعت جنوب ایران را به شکلی زیبا به تصویر می‌کشد. ■ **در گفت‌وگوی قبلی‌مان با شما که مربوط به ایام جشنواره فجر بود، این پرسش مطرح شد که چطور شد از بازیگر چهره استفاده نکردید؟ شما هم پاسخ دادید برای اینکه برای ما اصالت فیلم مهم بود؛ چون اینها باید عربی صحبت کنند. حالا که نوبت به اکران عمومی رسیده، فکر می‌کنید چه چیزی بتواند مخاطبان عام را به دیدن فیلم شما ترغیب کند؟**

این فیلم فرصت دیدن بازی‌های بازیگران جدید و توانمند ایرانی است؛ کسانی که تئاتری بودند و سال‌ها در این عرصه تلاش کردند و اینجا نقش‌های اصلی را دارند. یکی از این بازیگران رضا مسعودی است که نامزد سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد شد و تماشای هنرنمایی او و دیگران قطعاً برای تماشاگر جذاب خواهد بود.

■ **کسی که «اسفند» را ندیده، ممکن است تصور کند با یکی از فیلم‌های جنگی و پرتره، شبیه موارد متعددی که در این سال‌ها ساخته شده‌اند مواجه خواهد بود. شما وقتی می‌خواستید سراغ این سوزه بروید، نقطه تمایز آن را به‌دقت در چه چیزی می‌دیدید؟**
«اسفند» راوی بخش مسکوت مانده جنگ ایران و عراق و شیوه‌های زیست مسالمت‌آمیز آدم‌هایی با زبان‌های مختلف به عنوان هموطنن و جنگیدن جوانمردانه و با دست خالی است. یعنی دورای که مردم با مهربانی و اتحاد دست به دست هم دادند تا خاک وطن حفظ شود. «اسفند» درباره قصه‌ای سری و شنیده نشده است که امروز می‌توان آن را شنید. شهید علی هاشمی که قهرمان فیلم ما است، به‌رغم کار بزرگی که در آن دوران انجام داد، شناخته شده نیست. شناخته نشدن ایشان به دلیل ویژگی‌های ذاتی و نیز ماهیت کارشان بود؛ این یکی از دلایلی است که مخاطبان را به دیدن فیلم تشویق می‌کنم. در حقیقت علی هاشمی و همراهانش کاری به‌شدت سری انجام می‌دادند و کمتر شناخته و دیده می‌شدند که این باعث می‌شد خیلی‌ها آنها را نشناختند. از دیگر سو زمانی که ایشان شهید شد، کسی شهادتش را ندیده بود و مفقودالثر شده بود. در

از زمان نمایش فیلم اسفند در جشنواره فجر تا وقتی که این فیلم به عنوان یکی از آثار اکران دوم نوروزی روی پرده رفت، بسیاری از منتقدان، فیلمسازان و صاحب‌نظران سینما درباره آن به بیان جملاتی ستایش‌آمیز پرداختند. حتی اگر اسفند را خالی از بعضی ایرادات ندانیم، باید به این توجه شود که چه چیزی در این اثر باعث ستایش‌هایی تا این حد شگورمندانه شده. در ادامه تعدادی از این اظهارنظرها که تا حدودی دلایل علاقه افراد به فیلم «اسفند» را مشخص می‌کند، آورده شده است.

باورپذیر و دلنشین

احمدرضا درویش، نویسنده و کارگردان سینما، «اسفند»، ساخته دانش اقباشاوی را اثری موفق دانست و گفت: به نکت زبانی درباره فیلم «اسفند» می‌توانم اشاره کنم: از جمله رابط‌های که میان پشت صحنه و جلوی صحنه فیلم کاملاً مشهود است، یعنی پشت صحنه فیلم هیچ تضادی با آنچه جلوی دوربین از منظومه قلمرو خوزستان طراحی شده، ندارد. بعضاً مشاهده می‌کنیم آنچه در گذشته اتفاق افتاده، خیلی متفاوتی با آنچه در فیلم می‌بینیم، ندارد. فیلم یک زندگی قابل باور را به تصویر می‌کشد. تدوین، موسیقی، صدابرداری، بازی بازیگران و دیگر نکات فیلم بسیار خوب است. همچنین فضاسازی‌هایی که در فیلم انجام شده بسیار دلنشین است. کاره‌ها، عکس‌ها و تصاویری که در فیلم به مخاطب ارائه می‌شود، جذاب هستند و این جذابیت را فقط می‌شود بر پرده سینما درک کرد و فهمید و نه در کادر کوچک تلویزیون. یعنی فیلم کاملاً برای سینما ساخته شده است و عناصر سینمایی در آن محسوس است و به چشم می‌آید.

عبور از مرزهای قبلی

محمدتقی فهمیه، منتقدسینماعقیده‌دار فیلم‌سینمایی «اسفند» می‌تواند در ویت‌ترین ژانر دفاع‌مقدس تبدیل به اثری ماندگار شود. روی پس از تماشای فیلم گفت: دانش اقباشاوی با فیلم «اسفند» واقعا یک گام بزرگ در سینمای ایران برداشته است. بعد از فیلم‌های «تاج محل» و «زآیاتا» که نتوانستند آنطور که باید مطرح شوند، این فیلم به وضوح یک اثر بزرگ و قابل اتکاست. اقباشاوی در این فیلم همه تجربیات گذشته‌اش را به کار گرفته، بویژه در همکاری با کارگردانی چون ابراهیم حاتمی‌کیا و احمدرضا درویش و این تجربیات حالا در «اسفند» به وضوح قابل مشاهده است. این فیلم به‌نوعی عبور از مرزهای قبلی اقباشاوی است. حتی در جنبه‌های فرمیک و ساختار، تأثیرات سینمایی از فیلمسازانی مانند سام پکین‌پا هم دیده می‌شود. در صحنه‌های جنگی، بویژه در نمای که علی هاشمی (با بازی رضا مسعودی) در حال نگاه کردن به روبرو است و هم‌رمزش از پشت تیر می‌خورد، حرکتش معلق می‌شود اما هاشمی هیچ واکنشی نشان نمی‌دهد. این پلان، تکان‌دهنده است و به‌شدت تأثیرگذار. بدون اینکه کارگردان بخواهد با خشونت یا اغراق آن را نشان دهد، قدرت نمایان می‌شود. یکی از ویژگی‌های مهم «اسفند» انتخاب بازیگران بومی و عرب‌زبان است. این فیلم از نظر فرهنگی و اجتماعی بسیار معتبر و اصیل به نظر می‌رسد. انتخاب بازیگران از میان عرب‌زبان‌ها نه‌تنها به صداقت فیلم افزوده، بلکه پیام مهمی را هم منتقل می‌کند: عرب و عجم هیچ فرقی ندارند. این ویژگی باعث می‌شود «اسفند» به یک اثر ملی تبدیل شود و نشان دهد سینما می‌تواند پل ارتباطی میان فرهنگ‌ها باشد. به‌طور کلی، «اسفند» می‌تواند به یکی از آثار ماندگار سینمای دفاع‌مقدس ایران تبدیل شود. فیلم توانسته است با حفظ حساسیت‌های موضوعی و عدم افتادن در دام‌های کلیشه‌ای، تجربه‌ای متفاوت و جذاب ارائه دهد. این فیلم از نظر ساختاری و محتوایی توانسته یک گام مهم بردارد و به نظر می‌رسد تأثیر زیادی در سینمای جنگ خواهد داشت.

به‌شدت بومی و ملی

مسعود فراستی پس از تماشای فیلم سینمایی اسفند به کارگردانی دانش اقباشاوی گفت: راستش را بگویم من اصلاً آماده نبودم که با یک فیلم جنگی جدی به نام «اسفند» طرف شوم. من دانش اقباشاوی را می‌شناختم و کارهای قبلی این کارگردان را دیده بودم. به نظر او با «اسفند» جهش بلندی داشته است. فیلم شخصیت و فضا می‌سازد. من تا این لحظه هور را در ۲ فیلم دیده‌ام؛ یکی «هور در آتش» و دیگری «موقعیت مهدی» که نمایش هور در هر دو متوسط هستند. من در «اسفند» هور واقعی را دیدم و فهمیدم بچه‌های ما چه بیچارگی می‌کشیدند که از این هور عجیب و غریب و زیبا رد شوند تا با دشمن مبارزه کنند. «اسفند» به من یک هور نشان داد که فضای آن بیرون از فیلم نیست، بلکه درون فیلم است. صحنه رجز قبل از نبرد عالی است. مشابه آن را در سینما کم داریم؛ مثل فیلم‌های «افق» و «موقعیت مهدی». این صحنه در «اسفند» اما به‌شدت بومی و ملی است و این رجزخوانی شعاری نیست، بلکه واقعی و برخاسته از یک سنت است. معلوم است دوربین فیلم شخصیت‌ها را دوست دارد و به همین خاطر است که همه آنها در ذهن من مانده‌اند. به عقیده من هر آدم ملی این آدم‌ها را دوست خواهد داشت و این ملی بودن شخصیت‌ها مدیون کارگردان است که به خاستگاه خود وفادار بوده. همه شخصیت‌های محلی، منفی و نظامی خوب هستند؛ البته در میان سپاهی‌ها یک نفر را دوست ندارم؛ ضمن آنکه وقتی دوربین به بچه‌های جنگ می‌رسد به سرعت رد می‌شود و این یک ضعف است.